

بهای مماشات با جمهوری اسلامی؛ امروز امنیت اروپا، فردا چه؟

سال‌ها هشدار دادیم؛ گوش نکردید. امروز وقت آن رسیده است که بهای سیاست‌های دیروزتان را ببینید.

سال‌هاست که بسیاری از ایرانیان، با صدایی رسا و از سر شناخت و تجربه، به دولت‌های اروپایی هشدار داده‌اند: با جمهوری اسلامی مماشات نکنید! امنیت و منافع ملت‌های خود را قربانی قراردادهای اقتصادی، منافع شرکت‌های بزرگ و لبخندهای دیپلماتیک نکنید. روزی خواهد رسید که بهای این مماشات را نه فقط مردم ایران، بلکه شهروندان خودتان نیز خواهند پرداخت.

اما شما چه کردید؟ به هشدارها بی‌اعتنایی کردید. قراردادهای بزرگ اقتصادی بستید؛ از قراردادهای شرکت توتال گرفته تا توافق‌های صنعتی و خودروسازی و دیگر معاملات پرسود. با لبخند و رضایت پای میز مذاکره نشستید، گویی می‌توان با حکومتی که ترور، سرکوب و گروگان‌گیری را به ابزار سیاست خارجی خود تبدیل کرده است، تجارت کرد و هم‌زمان انتظار داشت امنیت اروپا دست‌نخورده باقی بماند.

شما تصور کردید که می‌توان با جمهوری اسلامی معامله کرد، بی‌آنکه روزی هزینه این معامله را پرداخت کنید. این بزرگ‌ترین خطای محاسباتی شما بود.

ما بارها گفتیم که این حکومت صرفاً یک شریک تجاری یا یک بازیگر معمولی در روابط بین‌الملل نیست. حکومتی است که مخالفان خود را حتی در خارج از مرزهای ایران هدف قرار داده و سابقه‌ای طولانی از عملیات تروریستی، تهدید و ارباب در کارنامه آن ثبت شده است. ترور شاپور بختیار در فرانسه، قتل مخالفان جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی و پرونده‌های متعدد مرتبط با عملیات و توطئه‌های منتسب به عوامل این حکومت، همگی هشدارهایی بودند که نمی‌بایست نادیده گرفته می‌شدند.

اما شما چه کردید؟ به جای آنکه این رفتارها را خط قرمز امنیت ملی خود بدانید، بارها منافع اقتصادی و ملاحظات سیاسی را بر ضرورت یک سیاست قاطع مقدم شمردید. تصور کردید که با دیپلماسی لبخند، امتیاز دادن و حفظ کانال‌های تجاری می‌توان خطر را مهار کرد.

اکنون پرسش این است: آیا هنوز هم تصور می‌کنید مماشات هیچ بهایی ندارد؟

امروز، در شرایطی که نگرانی‌ها درباره نفوذ خارجی، فعالیت شبکه‌های وابسته به حکومت ایران و احتمال سوءاستفاده از فضای سیاسی و اجتماعی در کشورهای اروپایی مطرح است، دولت‌های اروپا باید با جدیت و بر پایه شواهد و تحقیقات معتبر عمل کنند. اگر سازمان‌دهی خشونت، تحریک به آشوب یا عملیات مخفیانه‌ای با عوامل جمهوری اسلامی ارتباط داشته باشد، دیگر جایی برای مصلحت‌اندیشی و چشم‌پوشی نیست. هرگونه ارتباط باید مستند و شفاف بررسی شود و مسئولان آن، بدون توجه به عنوان و موقعیتشان، پاسخگو باشند.

البته نباید هر اعتراض، هر تظاهرات یا هر ناآرامی را به جمهوری اسلامی نسبت داد؛ اما به همان اندازه نیز نباید اجازه داد که خطر واقعی نفوذ، تروریسم و عملیات سازمان‌یافته پشت شعارهای دیپلماتیک و ملاحظات اقتصادی پنهان بماند.

اروپا باید میان اعتراض مشروع شهروندان و عملیات سازمان‌یافته خشونت‌آمیز تفاوت بگذارد؛ میان آزادی بیان و آتش‌زدن و کشتار؛ میان فعالیت سیاسی قانونی و شبکه‌های مخفی‌ای که امنیت عمومی را هدف قرار می‌دهند. آزادی‌های دموکراتیک نباید سپری برای فعالیت‌های تروریستی و خشونت سازمان‌یافته شوند.

آقای مکرون و رهبران دیگر کشورهای اروپایی!

امنیت ملی را نمی‌توان با بیانیه‌های زیبا، نشست‌های دیپلماتیک و لبخندهای مقابل دوربین حفظ کرد. امنیت ملی نیازمند شناخت دشمن، ارزیابی واقع‌بینانه خطر و اراده سیاسی برای مقابله با آن است.

وقتی ایرانیان سال‌ها از خطر جمهوری اسلامی سخن می‌گفتند، بسیاری از شما ترجیح دادید صدای منافع اقتصادی را بلندتر از صدای هشدارهای امنیتی بشنوید. آن روزها، تا زمانی که قراردادهای امضا می‌شدند و شرکت‌ها سود می‌بردند، گویا کسی نمی‌خواست به زمستانی فکر کند که دیر یا زود از راه می‌رسد.

اما زمستان سیاست‌های غلط، سرانجام از راه می‌رسد.

شما نمی‌توانید از یک‌سو برای جمهوری اسلامی دست دوستی دراز کنید و از سوی دیگر انتظار داشته باشید که پیامدهای رفتار آن حکومت هرگز به مرزهای شما نرسد.

و یک پرسش اساسی‌تر: چرا اسرائیل خطر جمهوری اسلامی را جدی می‌گیرد و برای دفاع از امنیت و موجودیت خود، آن را تهدیدی راهبردی می‌داند، اما برخی دولت‌های اروپایی سال‌ها کوشیدند با امتیاز دادن و معامله کردن، صورت مسئله را پاک کنند؟

کشورها در ارزیابی تهدیدها و انتخاب ابزارهای دفاعی خود تفاوت دارند؛ اما هیچ دولتی حق ندارد امنیت شهروندانش را به امید تغییر رفتار حکومتی به خطر اندازد که سابقه تهدید، سرکوب فرامرزی و حمایت از گروه‌های مسلح را دارد. قاطعیت به معنای اقدام بی‌محابا نیست؛ قاطعیت یعنی خطر را انکار نکردن، برای آن خط قرمز روشن داشتن و در چارچوب قانون، با آن برخورد کردن.

ما ایرانیان، بیش از چهار دهه است که بهای این حکومت را با جان، آزادی، تبعید و ویرانی زندگی خود پرداخته‌ایم. خانواده‌هایی داغدار شده‌اند، مخالفان سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و نسل‌هایی از ایرانیان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محروم مانده‌اند. اکنون دیگر نباید اجازه داد که سیاست مماشات، هزینه‌های بیشتری بر مردم ایران و شهروندان اروپا تحمیل کند.

با این حال، مسئله فقط امنیت اروپا نیست. آزادی ایران نیز نباید فراموش شود. اگر دولت‌های اروپایی واقعاً به ارزش‌هایی که پیوسته از آن‌ها سخن می‌گویند، از حقوق بشر و دموکراسی گرفته تا آزادی و کرامت انسانی، باور دارند، باید از سیاست‌هایی که به بقای دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی کمک می‌کند فاصله بگیرند.

اگر حاضر نیستید برای آزادی مردم ایران هزینه سیاسی بدهید، دست‌کم اجازه ندهید امنیت مردم خودتان قربانی همان سیاست‌های شکست‌خورده شود.

دیگر وقت تعارف نیست. وقت پنهان شدن پشت واژه‌هایی چون تعامل، تنش‌زدایی و منافع مشترک نیست؛ به‌ویژه هنگامی که این واژه‌ها به پوششی برای نادیده گرفتن تهدیدهای مستند تبدیل می‌شوند.

از دولت‌های اروپایی می‌خواهیم که شبکه‌های مشکوک به فعالیت تروریستی یا عملیات مخفیانه وابسته به جمهوری اسلامی را با جدیت و بر اساس شواهد بررسی کنند؛ منابع مالی و مسیرهای پشتیبانی غیرقانونی را شناسایی کنند؛ از مخالفان ایرانی در تبعید محافظت کنند؛ عاملان و آمران جرائم را به دست عدالت بسپارند؛ و هر جا شواهد کافی وجود دارد، روابط سیاسی و اقتصادی خود را متناسب با خطر واقعی بازنگری کنند.

نه مماشات بی‌پایان، نه معامله به هر قیمت، نه قربانی کردن امنیت برای سود اقتصادی.

آقای مکرون و رهبران اروپا!

هنوز دیر نشده است؛ اما فرصت را با تکرار همان اشتباهات گذشته از دست ندهید. تاریخ، هشدارهای نادیده‌گرفته‌شده را فراموش نمی‌کند. روزی فرا می‌رسد که باید در برابر افکار عمومی خود توضیح دهید چرا وقتی خطر را می‌شد جدی گرفت، آن را کوچک شمردید؛ چرا وقتی می‌شد سیاستی قاطع‌تر و مسئولانه‌تر در پیش گرفت، منافع کوتاه‌مدت را ترجیح دادید.

این بار، اگر نه برای آزادی ایران، دست‌کم برای امنیت کشورهای خودتان قاطع باشید.

جمهوری اسلامی باید بداند که اروپا دیگر حاضر نیست فعالیت‌های تروریستی، تهدید مخالفان، عملیات مخفیانه و دخالت‌های غیرقانونی را تحمل کند. هر دولتی که به امنیت و استقلال خود احترام می‌گذارد، باید برای چنین رفتارهایی هزینه واقعی و متناسب تعیین کند.

پیام ما روشن است: ملت ایران سال‌هاست بهای مامشات شما را می‌پردازد. اجازه ندهید شهروندان شما نیز قربانی ادامه همان سیاست شوند.

مامشات، اگر در برابر تهدیدی مستمر به سیاستی دائمی تبدیل شود، دیگر نشانه دیپلماسی نیست؛ نشانه شکست در دفاع از منافع ملی است.

وقت تصمیم است. وقت قاطعیت است. وقت پایان دادن به سیاستی است که به بهای آزادی مردم ایران و امنیت اروپا تمام شده است.